



<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 3115-7475

Vol.3, Issue.2, No.6, 2025, pp 67- 92

Received: 04/08/2025

Accepted: 11/10/2025

Research Paper

Identification and Ranking of Financing Instruments for Arbaeen Pilgrimage Infrastructure Development (Application of the Fuzzy Delphi Method)

Amir Hosseini 

Ph.D. Student, Department of Islamic Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
amir.hosseini@isu.ac.ir

Mohammad Soleimani* 

Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
solimani@isu.ac.ir

Introduction

The Arbaeen pilgrimage, as one of the largest religious gatherings in the world, annually attracts millions of pilgrims on their journey toward Karbala. This event creates an ever-growing need for sustainable infrastructure in sectors such as transportation, healthcare, accommodation, and waste management. Due to the limited capacity of public budgets, financing these infrastructures has become a crucial issue in religious and social policymaking. This study seeks to answer the central question: “Which financing tools and mechanisms can be applied sustainably, transparently, and in alignment with the cultural–religious context of Arbaeen, and how should they be prioritized?”

A review of the literature suggests that traditional institutions, such as *waqf* (endowments) and *nazr* (vow offerings), possess significant potential for mobilizing public resources. However, to address today’s large-scale needs, they must be integrated with modern mechanisms such as *waqf funds*, *crowdfunding platforms*, *public–private partnership (PPP) contracts*, and *hybrid financing models*.

The lack of comprehensive studies assessing and ranking these instruments within the framework of religious rituals provided the main motivation for this research. Accordingly, the study aims to identify and prioritize effective financial tools for developing Arbaeen infrastructure, using experts’ insights and the Fuzzy Delphi Method.

Methodology

This research is applied in nature and follows a descriptive–analytical approach, conducted through a mixed (qualitative–quantitative) method. The statistical population consisted of 20 experts in Islamic economics, religious event management, and Arbaeen organizational affairs, selected through purposive and snowball sampling.

Data collection occurred in two stages:

1. First Round (Delphi Round I): Semi-structured interviews were conducted to extract the initial list of financing tools, resulting in 25 components.

2. Second Round (Fuzzy Delphi Round II): A questionnaire based on a five-point Likert scale was distributed among experts. The verbal data were converted into triangular fuzzy numbers.

Data were analyzed through fuzzification, fuzzy aggregation, and defuzzification methods. The acceptance threshold was

*Corresponding Author

Hosseini, A., & Soleimani, M. (2025). Identification and Ranking of Financing Instruments for Arbaeen Pilgrimage Infrastructure Development (Application of the Fuzzy Delphi Method). *Journal of Endowment & Charity Studies*, 3(2), 67-92.<https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146128.1138>

3115-7475© The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146128.1138>

set at a defuzzified mean ≥ 0.7 . Tools exceeding this threshold were accepted as final options. The results were ranked based on the defuzzified means to determine priorities across public, private, and community-based financing sectors.

Findings

All 25 identified components surpassed the acceptance threshold, indicating expert consensus on their importance. However, five instruments achieved the highest scores:

Priority	Financing Instruments for Arbaeen Infrastructure	Defuzzified Mean
1	Utilization of <i>waqf</i> (endowment) for mobilizing public resources	0.90
2	Establishment of <i>waqf funds</i> to attract public participation	0.89
3	Formation of <i>cooperatives</i> for collaboration among community organizations	0.89
4	Use of <i>charitable funds</i> to mobilize public resources	0.89
5	Implementation of <i>BOT contracts</i> with companies for infrastructure financing	0.89

These findings indicate the superiority of religious and community-based instruments over purely market-oriented mechanisms. Nevertheless, PPP models, particularly BOT contracts, are recommended as complementary approaches.

Discussion and Conclusion

The study concludes that sustainable financing for Arbaeen infrastructure requires hybrid models that simultaneously ensure financial sustainability, religious legitimacy, and social acceptance. Among these, *waqf* and *waqf funds* stand out as the most effective instruments due to their juridical legitimacy, stable income generation, and cultural acceptance. *Cooperatives* and *charitable funds* play supportive roles by enhancing social solidarity and resource mobilization. At the institutional level, BOT contracts emerged as the best model for attracting private sector participation without permanently transferring ownership of religious assets.

It is recommended that the government and Arbaeen headquarters integrate transparent digital crowdfunding platforms, hybrid *waqf* and charitable funds, and facilitated BOT contracts into a unified financing framework. This model can reduce government financial pressure while enhancing transparency, accountability, and public trust.

Research limitations include the limited sample size of experts and the lack of quantitative data on actual public participation. Future studies could employ behavioral economics models, capacity assessments of digital platforms, and empirical evaluations of hybrid financing models to further develop this line of inquiry.

Keywords

Arbaeen, Financing of Religious Events, Endowment, Crowdfunding, Fuzzy Delphi.



مقاله پژوهشی

شناسایی و رتبه‌بندی ابزارهای تأمین مالی زیرساخت‌های تسهیل زیارت اربعین (کاربست روش دلفی فازی)

امیر حسینی^۱ و محمد سلیمانی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

amir.hosseini@isu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

solimani@isu.ac.ir

چکیده

زیارت اربعین یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای مذهبی منطقه‌ای و بین‌المللی است که هر ساله میلیون‌ها نفر را جلب می‌کند. رشد شمار زائران و پیچیدگی نیازهای زیرساختی (حمل‌ونقل، بهداشت، امکانات اقامتی، مدیریت پسماند و امنیت) نیازمند تأمین مالی پایدار، شفاف و سازگار با بافت فرهنگی-دینی این رویداد است. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و رتبه‌بندی ابزارها و بسترهای تأمین مالی مناسب برای زیرساخت‌های اربعین، از روش دلفی فازی استفاده کرده است و پس از دو دور هم‌افزایی کارشناسان، ۲۵ مؤلفه نهایی احصا و رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد «استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی» بیشترین اهمیت را دارد و پس از آن، «ایجاد صندوق‌های وقفی»، «تشکیل تعاونی‌های مردمی»، «صندوق‌های نیکوکاری» و «انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها» در رتبه‌های بعدی قرار دارند. یافته‌ها راهکارهای سیاستی و اجرایی برای استقرار مدل‌های ترکیبی تأمین مالی (شامل وقف ساختارمند، صندوق‌های اهرمی، کرافاندینگ شفاف و قراردادهای PPP مناسب) را ارائه می‌کند؛ همچنین محدودیت‌ها و پیشنهادها برای مطالعات آتی بیان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اربعین، تأمین مالی رویدادهای مذهبی، وقف، کرافاندینگ، دلفی فازی.

طبقه‌بندی JEL :

B59: Current Heterodox Approaches: Other

G00: Financial Economics: General

Z12: Cultural Economics: Religion

Z18: Cultural Economics: Public Policy

*نویسنده مسئول

حسینی، ا. و سلیمانی، م. (۱۴۰۴). شناسایی و رتبه‌بندی ابزارهای تأمین مالی زیرساخت‌های تسهیل زیارت اربعین (کاربست روش دلفی فازی).

مطالعات وقف و امور خیریه، ۳(۲)، ۶۷-۹۲. <https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146128.1138>



۱- مقدمه و بیان مسئله

در طول قرون متمادی، روش‌های تأمین مالی به صورت مردمی و خرد به‌خوبی عمل کرده‌اند و نقشی مهم در حمایت از فعالیت‌ها و پروژه‌های مختلف داشته‌اند. این شیوه‌ها، مبتنی بر مشارکت فردی و جمعی مردم، نه فقط حس مسئولیت‌پذیری و همبستگی اجتماعی را تقویت کرده‌اند، بلکه توانسته‌اند به شکلی پایدار منابع مالی لازم را فراهم آورند. اما با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن نیازها، به ویژه در عرصه زیرساخت‌های کلان و پروژه‌های بزرگ‌مقیاس، این روش‌های سنتی دیگر پاسخ‌گوی حجم و گستره فعالیت‌ها نیستند.

امروزه، با توجه به توسعه روزافزون مراسم و آیین‌های دینی بزرگ مانند پیاده‌روی اربعین که میلیون‌ها نفر را در بر می‌گیرد، تأمین منابع مالی برای ایجاد و نگهداری زیرساخت‌های وسیع و پیچیده به چالشی جدی بدل شده است. در چنین شرایطی، ضروری است تا از ابزارها و روش‌های نوین تأمین مالی بهره‌مند شویم که ضمن برطرف کردن محدودیت‌ها و آفت‌های روش‌های متعارف، بتوانند ساختار و بافتار مردمی و خودجوش این جریان عظیم دینی را حفظ کنند.

ابزارهای جدید مالی، مانند مدل‌های نوین تأمین مالی جمعی، همکاری‌های چندجانبه و فناوری‌های نو ظهور در حوزه مالی، امکان جذب سرمایه‌های خرد و کلان را به شکلی هوشمندانه فراهم می‌آورند، بدون آنکه منجر به تضعیف نقش فعال و مشارکت مردمی در جریان آیین‌های دینی شوند. به عبارت دیگر، باید راهکارهایی اتخاذ شوند که هم قدرت مالی لازم برای ایجاد زیرساخت‌های کلان را فراهم و هم روحیه مردمی و حس تعلق خاطر شرکت‌کنندگان و حامیان این مراسم را حفظ کنند. این تعادل مهم کلید موفقیت در تداوم و توسعه آیین‌هایی همچون اربعین خواهد بود.

روش‌های تأمین مالی برای رویداد اربعین باید به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای زائران و برگزارکنندگان باشند. شناسایی و رتبه‌بندی ابزارها و بسترهای تأمین مالی می‌تواند به بهبود روند برگزاری این مراسم کمک کند. در این راستا، استفاده از روش دلفی فازی به عنوان یک ابزار مهم می‌تواند نظرات و تجربیات کارشناسان را در این زمینه جمع‌آوری و تحلیل کند.

از آنجا که این رویداد به شکل سالانه برگزار می‌شود، نیاز به یک برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت در زمینه تأمین مالی و مدیریت منابع وجود دارد. با توجه به افزایش جمعیت زائران، ایجاد زیرساخت‌های مناسب و تأمین خدمات بهداشتی، ایمنی و رفاهی از اهمیتی ویژه برخوردار است. ایجاد این زیرساخت‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان و هماهنگی‌های دقیق بین نهادهای مختلف است. با توجه به محدودیت منابع عمومی، تأمین مالی این زیرساخت‌ها از طریق روش‌های نوین و متنوع مالی، به ویژه با مشارکت مردم و بخش خصوصی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

در این میان، استفاده از ابزارهای مالی نوآورانه همچون اوراق مالی اسلامی، مشارکت عمومی-خصوصی (PPP)^۱، صندوق‌های وقف و نذر ساختارمند می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار و کارآمد زیرساخت‌های اربعین شود. هدف این پژوهش شناسایی و رتبه‌بندی ابزارهای تأمین مالی مناسب برای این مهم با استفاده از نظرات خبرگان و روش دلفی فازی است. مسئله اصلی آن است که با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و دینی زیارت اربعین، کدام ابزارها بیشترین کارایی و مقبولیت را در میان ذی‌نفعان دارند.

به طور خلاصه، می‌توان گفت مراسم اربعین به دلیل گستردگی جغرافیایی و حجم عظیم مشارکت مردمی، نیازمند زیرساخت‌هایی فراتر از ظرفیت تأمین مالی خرد و مبتنی بر کمک‌های مقطعی است. در عمل، مدل‌های فعلی تأمین مالی عمدتاً مبتنی بر اقدامات خودجوش مردمی، نذورات و مشارکت‌های نامنظم نهادهای خیریه هستند که:

¹ Private Public Partnership



- قابلیت برنامه‌ریزی بلندمدت و نگهداری زیرساخت‌ها را ندارند؛
 - موجب توزیع نامناسب منابع و تکرار هزینه‌ها می‌شوند؛
 - باعث ناپایداری خدمات (برای مثال، در حوزه بهداشت و ایمنی) و افزایش ریسک برای زائران می‌شوند؛
 - شفافیت و پاسخ‌گویی لازم را برای ذی‌نفعان کلیدی (دولت، بخش خصوصی و مدافعان مردمی) فراهم نمی‌کنند؛
 - و در سطح کلان ممکن است به کاهش اعتماد عمومی و افزایش هزینه‌های پنهان (هزینه فرصت، هزینه‌های سازمان‌دهی اضطراری، خسارت به شهرت سازمان‌ها) منجر شوند.
- بنابراین، پرسش پژوهش این است: «با مدنظر قرار دادن ویژگی‌های فرهنگی، دینی و سازمانی اربعین، کدام ابزارها و بسترهای تأمین مالی می‌توانند به صورت پایدار، شفاف و سازگار با بافت مردمی این رویداد استفاده شوند و اولویت آنها چگونه است؟» پاسخ به این پرسش برای طراحی سیاست‌های مالی و نهادی مؤثر، تخصیص بهینه منابع و کاهش ریسک‌های عملیاتی حیاتی است.

۲- ادبیات پژوهش

۲-۱ پیشینه پژوهش

مطالعات مربوط به وقف و نقش آن در تأمین مالی عمومی و زیرساخت‌ها

وقف به عنوان نهاد سنتی خیرخواهانه در جوامع اسلامی نقش اساسی در تأمین خدمات عمومی داشته است؛ مطالعات تجربی و نظری اخیر بر توان وقف در تجهیز منابع پایدار برای پروژه‌های اجتماعی و زیرساختی تأکید دارند. برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند وقف می‌تواند با تبدیل دارایی‌های غیرمولد به منابع مولد، جریان درآمدی پایدار برای خدمات عام‌المنفعه ایجاد کند و از این نظر، به عنوان مکملی برای بودجه دولتی عمل کند. نمونه‌هایی از مدل‌های جدید «صندوق‌های وقفی سرمایه‌گذاری‌شده» در کشورهای مختلف پیشنهاد و تحلیل شده‌اند که ظرفیت وقف را برای پروژه‌های بزرگ مقیاس افزایش می‌دهند. این ادبیات همچنین موانع نهادی مرسوم وقف (مانند نبود شفافیت، ضعف حکمرانی و مشکل نقدشوندگی) را شناسایی و راه‌حل‌هایی مانند نهادینه‌سازی مدیریتی و تلفیق با سازوکارهای بازار سرمایه را پیشنهاد کرده است (Sharifah et al., 2022).

مطالعاتی مانند سوکمانا^۱ (2020) نشان می‌دهند مدل‌های نوین وقف^۲ می‌توانند اثرات مثبت اقتصادی-اجتماعی داشته و برای تأمین امور بهداشتی، آموزشی و زیرساختی کاربردی باشند؛ اما موفقیت آنها به چارچوب قانونی، شفافیت و مدیریت حرفه‌ای وابسته است (Elmahgop et al., 2025; Sukmana et al., 2020).

به طور کلی، در زمینه وقف، پیشینه‌ای عظیم از مقاله‌ها و پژوهش‌ها موجود است. جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «مدل مناسب اوراق وقفی تأمین مالی فضاهاى عمومی پیرامون حرم رضوی (ع)»، خاکسار آستانه و رهنما (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی نقش وقف در خدمات‌رسانی به زائران و گردشگران شهر مشهد» و امیرییک و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی و تدوین مدل توسعه تأمین مالی جمعی در سازمان‌های دینی (نمونه موردی حرم مطهر رضوی)»، به بحث‌هایی در این زمینه اشاره کرده‌اند.

¹ Sukmana

² Waqf Investment Funds



پژوهش‌ها درباره نذر، نیکوکاری و مشارکت مردمی در مناسک مذهبی

در سطح ملی (ایران) و بین‌المللی، ادبیات جالب توجهی نقش کمک‌های خیرخواهانه (نذر، صدقات، وجوه خیریه) در پشتیبانی از مراسم مذهبی و خدمات اجتماعی را بررسی کرده است. مطالعات موردی نشان داده‌اند مشارکت مردمی در قالب ساختارمند (صندوق‌های نیکوکاری، تعاونی‌ها) کارآمدتر و قابل برنامه‌ریزی‌تر از کمک‌های پراکنده و مقطعی است. پژوهش‌های فارسی و بین‌المللی توصیه می‌کنند برای افزایش کارایی، نذر و کمک‌های مردمی باید با سازوکارهای شفاف گزارش‌دهی و حسابرسی ترکیب شوند تا اعتماد اهداکنندگان حفظ و مشارکت تکرارشونده تضمین شود (Mustapha, 2024). جاودان و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «آثار متقابل نذورات در هیئت‌های مذهبی و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران» اظهار داشته‌اند: «در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، بخش سوم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا دولت‌ها معمولاً مستقیماً وارد این نوع فعالیت‌ها نمی‌شوند و بخش خصوصی هم انگیزه کافی برای مشارکت در آنها ندارد. به همین دلیل، با ایجاد بسترهای بلندمدت و اصلاح ساختارهای اقتصادی، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های اقتصادی و ارائه خدمات اجتماعی در این کشورها بر عهده بخش سوم قرار گرفته است؛ بخشی که شامل وقف، نذر، امور خیریه و به طور کلی، سازمان‌های غیرانتفاعی می‌شود.»

کرافاندینگ خیریه

در دهه گذشته، کرافاندینگ خیریه^۱ رشدی چشمگیر داشته است؛ پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند عواملی مانند اعتماد، شفافیت اطلاع‌رسانی، محتوای پروژه و سیگنال‌های اعتباردهی نقش محوری در موفقیت کمپین‌های خیرخواهانه دارند. مطالعاتی مانند ژای^۲ (2024) و پژوهش‌های متعدد درباره رفتار دهندگان خیریه در پلتفرم‌های دیجیتال نشان می‌دهند استفاده از زبان متقاعدکننده، گزارش‌دهی دوره‌ای و حضور حلقه‌های شبکه‌ای اولیه (شبکه‌های خانوادگی و دوستان) احتمال موفقیت را افزایش می‌دهد. به علاوه، مطالعات متا-تحلیلی جدید نشان می‌دهند کرافاندینگ برای پروژه‌های با تأثیر اجتماعی مشخص (برای مثال، خدمات اضطراری، پروژه‌های محلی) کارآمدتر از پروژه‌های مبهم است. از این رو، کرافاندینگ می‌تواند به عنوان مکمل منابع وقف و نذر برای تأمین هزینه‌های کوتاه‌مدت اربعین مفید واقع شود، مشروط بر آنکه سازوکارهای شفافیت و کنترل کیفیت برقرار شوند (Zhai & Shen, 2024; Xu et al., 2025).

مشارکت عمومی-خصوصی (PPP) و قراردادهای BOT/BOOT/BOO

ادبیات بین‌المللی PPP به طور مفصل مزایا و چالش‌های استفاده از مدل‌هایی مانند BOT را بررسی کرده است. تجربیات کشورهایی مانند ترکیه، چین و برخی از ایالات آمریکا نشان داده‌اند PPP می‌تواند ظرفیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را برای پروژه‌های بزرگ فراهم و تسریع در اجرا را ممکن کند، اما برای پروژه‌های با منافع عمومی-اجتماعی (مانند زیرساخت‌های مذهبی یا خدمات اجتماعی) نیاز به تضمین‌های پرداخت دولتی، پرداخت مبتنی بر دسترسی و مقررات نظارتی قوی وجود دارد. دوگان^۳ و همکاران (2024) با بررسی مطالعات موردی در ترکیه نشان می‌دهند اجرای PPP در حوزه سلامت با موفقیت‌هایی همراه بوده اما با ریسک‌های اقتصادی (نوسانات ارزی و هزینه سرمایه) مواجه است؛ همین مطالعات بر لزوم طراحی قراردادهای روشن از نظر ریسک-تقسیم تأکید دارند. از دیدگاه نظری نیز، BOT به عنوان الگوی حدواسطی در نظر گرفته می‌شود که انتقال مالکیت نهایی به بخش عمومی را تضمین می‌کند و بنابراین، در پروژه‌هایی که حساسیت عمومی و فرهنگی زیاد است، بر BOOT/BOO ترجیح داده می‌شود.

¹ Charitable Crowdfunding

² Zhai

³ Dogan



تأمین مالی ترکیبی - کاربردها و راهنماهای بین‌المللی

گزارش‌ها و دستورالعمل‌های سازمان‌های بین‌المللی (World Bank, OECD و غیره) بر این نکته تأکید دارند که برای جذاب‌سازی پروژه‌های با بازده اجتماعی کم اما با ارزش توسعه‌ای زیاد، می‌توان از ترکیب منابع عمومی/خیرخواهانه (برای کاهش ریسک یا ارائه یارانه مالی) و سرمایه بخش خصوصی استفاده کرد. سند اصول DAC/OECD و راهنماهای آتی تأمین مالی ترکیبی^۱ چارچوب‌هایی برای طراحی توافق‌هایی ارائه می‌دهند تا وجوه عمومی یا خیریه در نقش «کاهش‌دهنده ریسک» عمل و سرمایه تجاری را به سمت پروژه‌ها هدایت کنند. این روش برای پروژه‌های زیرساختی اربعین کاربردی است که نیازمند سرمایه‌گذاری بزرگ و هم‌زمان پذیرش اجتماعی هستند.

مطالعات تلفیقی و خاص مناسک دینی

پژوهش‌های اختصاصی درباره روش‌های تأمین مالی اربعین به صورت مستقل محدود هستند؛ بیشتر مطالعات مرتبط بر مدیریت موب‌ها، نقش نهادهای مردمی و ظرفیت وقف در امور زیارت متمرکز بوده‌اند. برخی از پژوهش‌های داخلی به ظرفیت‌سازی صندوق‌های وقفی و نقش هیئت‌ها در تجمیع مالی اشاره کرده‌اند، اما کمبود تحلیل‌های کمی-عملیاتی و مطالعه موردی از اجرای مدل‌های ترکیبی (وقف+کرافاندینگ+PPP) به وضوح احساس می‌شود. این خلأ نقطه ضعف مهمی است که پژوهش حاضر تلاش دارد با جمع‌آوری اجماع خبرگان و رتبه‌بندی ابزارها، تا حدی آن را پر کند.

خلاصه اجمالی از نتایج پیشینه و جای خالی پژوهش

خلاصه آنچه ادبیات نشان می‌دهد چنین است: (۱) وقف و نهادهای مردمی منبع مشروع و پایدار بالقوه‌ای برای تأمین امور مذهبی هستند اما برای عملکرد اثربخش نیاز به نهادهای سازی و شفافیت دارند؛ (۲) کرافاندینگ می‌تواند مکمل منابع مردمی باشد اما موفقیتش به اعتماد و شفافیت وابسته است؛ (۳) PPPها سرمایه بزرگی جذب می‌کنند اما برای پروژه‌های حساس فرهنگی باید طراحی قراردادی محافظه‌کارانه (برای مثال، BOT) پیش‌بینی شود؛ و (۴) تأمین مالی ترکیبی می‌تواند راه‌حل ترکیبی برای هم‌پوشانی مزایا و کاهش معایب هر رکنی باشد. با توجه به این یافته‌ها، پژوهش‌هایی که ابزارها را مخصوص رویدادهای مذهبی با حساسیت فرهنگی (مانند اربعین) ارزیابی و اولویت‌بندی کنند، نسبتاً کم هستند و پژوهش حاضر در پی پرکردن همین خلأ است.

۲-۲ مبانی نظری

مفهوم تأمین مالی رویدادهای مذهبی

تأمین مالی رویدادهای مذهبی از نظر اقتصادی و اجتماعی فرایند تجهیز و تخصیص منابع مالی برای برگزاری یا پشتیبانی از مراسم‌هایی است که ماهیت دینی و اجتماعی دارند. ویژگی‌های این نوع رویدادها عبارت‌اند از:

- مردمی بودن منابع: بیشتر منابع مالی از طریق نذورات، صدقات، وقف و مشارکت داوطلبانه تأمین می‌شوند.
- غیرانتفاعی بودن اهداف: هدف اصلی نه سودآوری مالی، بلکه خدمت‌رسانی، تقویت معنویت و انسجام اجتماعی است.
- چرخه‌ای و تکرارشونده بودن: بسیاری از مناسک مذهبی (مانند اربعین یا حج) ماهیت سالانه دارند و به همین دلیل، نیازمند مدل‌های پایدار و بلندمدت هستند.

به همین دلیل، تأمین مالی این رویدادها باید با حساسیت‌های فرهنگی-دینی سازگار باشد و در عین حال، بتواند نیازهای پیچیده زیرساختی را برآورده کند.

¹ Blended Finance



اقتصاد اسلامی و مبانی مالی دینی

در چارچوب اقتصاد اسلامی، ابزارهای مالی مبتنی بر اصولی همچون عدالت، منع ربا، مشارکت در ریسک و خدمت به منافع عمومی طراحی می‌شوند. نهادهایی مانند وقف و نذر نه فقط سازوکاری برای تأمین مالی هستند، بلکه ریشه در آموزه‌های دینی دارند و موجب مشروعیت اجتماعی و مقبولیت مردمی می‌شوند. در واقع، وقف به عنوان یک نهاد پایدار می‌تواند از طریق تبدیل دارایی‌های غیرمولد به دارایی‌های مولد، منابع مالی جالب توجهی ایجاد کند.

وقف به عنوان ابزار پایدار تأمین مالی

وقف یکی از مهم‌ترین ابزارهای مالی اسلامی است که قرن‌ها نقش کلیدی در تأمین مالی خدمات عمومی (آموزش، بهداشت، عمران شهری و مذهبی) داشته است. ویژگی‌های کلیدی وقف عبارت‌اند از:

- پایداری: دارایی وقفی به طور دائمی در خدمت منافع عمومی قرار می‌گیرد.
- مشروعیت اجتماعی-دینی: به دلیل ریشه در فقه اسلامی، وقف از بالاترین سطح اعتماد عمومی برخوردار است.
- قابلیت ترکیب با ابزارهای نوین: صندوق‌های وقفی یا وقف پولی می‌توانند با ابزارهای مالی مدرن مانند اوراق یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری ترکیب شوند.

در حوزه اربعین، وقف می‌تواند هم در تأمین منابع اولیه زیرساخت‌ها و هم در نگهداری و مدیریت آنها نقش محوری ایفا کند.

نذر و مشارکت مردمی

نذر و صدقات نیز از دیگر نهادهای مالی مردمی هستند که بیشتر در قالب کمک‌های نقدی یا غیرنقدی مقطعی ظاهر می‌شوند. اگرچه نذرها معمولاً برای اهداف خاص (مانند توزیع غذا) تعریف می‌شوند، با طراحی سازوکارهای جمعی و سازمان‌یافته می‌توان آنها را به سمت نیازهای زیرساختی هدایت کرد (امیربیک و همکاران، ۱۴۰۰). برای مثال، پلتفرم‌های دیجیتال نذر می‌توانند مسیر تخصیص منابع را شفاف و مؤثرتر کنند.

کرافاندینگ (تأمین مالی جمعی)

کرافاندینگ در سال‌های اخیر به عنوان یک ابزار نوین تأمین مالی اجتماعی شناخته شده است. در این مدل، افراد زیادی با پرداخت مبالغ خرد در یک پلتفرم آنلاین مشارکت می‌کنند. در زمینه‌های مذهبی، کرافاندینگ می‌تواند مکمل وقف و نذر باشد و به دلیل شفافیت، سرعت در جمع‌آوری منابع و دسترسی گسترده، ظرفیت زیادی دارد. مطالعات نشان می‌دهند موفقیت کرافاندینگ وابسته به اعتماد، شفافیت و گزارش‌دهی مستمر است (امیربیک و همکاران، ۱۴۰۰).

بنابراین، کرافاندینگ می‌تواند برای تأمین هزینه‌های کوتاه‌مدت (مانند تجهیز موبک‌ها، حمل‌ونقل اضطراری یا تأمین خدمات بهداشتی) به کار رود و با وقف یا منابع پایدار ترکیب شود.

مشارکت عمومی-خصوصی (PPP)

مشارکت عمومی-خصوصی، به ویژه قراردادهای «ساخت-بهره‌برداری-انتقال» (BOT)^۱، «ساخت-تملک-بهره‌برداری-انتقال» (BOOT)^۲ و «ساخت-تملک-بهره‌برداری» (BOO)^۳، سازوکاری است که طی آن دولت یا نهاد عمومی با شرکت‌های

^۱ Build-Operate-Transfer

^۲ Build-Own-Operate-Transfer

^۳ Build-Own-Operate



خصوصی همکاری می‌کند تا پروژه‌های زیرساختی را اجرا کند. این مدل در کشورهای مختلف برای توسعه جاده‌ها، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها و حتی مراکز درمانی به کار رفته است.

- مزایا: جذب سرمایه بزرگ، انتقال فناوری و تجربه مدیریتی بخش خصوصی، کاهش بار مالی دولت.
- محدودیت‌ها: نیاز به چارچوب قانونی قوی، ریسک‌های فرهنگی و اجتماعی در پروژه‌های مذهبی، نگرانی درباره انتقال مالکیت طولانی مدت به بخش خصوصی.

در زمینه اربعین، «قرارداد BOT به علت بازگشت مالکیت به دولت در پایان دوره بهره‌برداری، نسبت به BOO و BOOT مناسب‌تر تلقی می‌شود» (صمدی میارکلانی و همکاران، ۱۳۹۴).

مدل‌های ترکیبی

مدل‌های تأمین مالی ترکیبی ترکیب منابع خیریه/عمومی با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است. در این مدل، وقف یا صندوق‌های نیکوکاری می‌توانند به عنوان «لایه تضمین یا کاهش ریسک» عمل کنند تا مشارکت بخش خصوصی جذاب‌تر شود. این رویکرد می‌تواند برای پروژه‌های پرهزینه مانند احداث بیمارستان‌های صحرایی، حمل‌ونقل یا پروژه‌های زیست‌محیطی اربعین مفید باشد.

۲-۳ چارچوب مفهومی پژوهش

بر اساس مبانی بالا، چارچوب مفهومی پژوهش به صورت زیر ترسیم می‌شود:

- سطح اول (منابع مردمی): وقف، نذر، صندوق‌های نیکوکاری، کرافاندینگ.
 - سطح دوم (ابزارهای نهادی و دولتی): بودجه دولتی، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها.
 - سطح سوم (ابزارهای بازار و مشارکت خصوصی): قراردادهای BOT، BOOT، BOO، اوراق مالی اسلامی.
 - سطح ترکیبی: تأمین مالی ترکیبی و صندوق‌های وقفی-خصوصی.
- این چارچوب نشان می‌دهد هیچ یک از ابزارها به تنهایی کافی نیستند و باید در قالب ترکیبی و با در نظر گرفتن حساسیت‌های فرهنگی، دینی و مالی طراحی شوند.

۳- روش پژوهش

۳-۱ طراحی کلی

پژوهش ترکیبی (کیفی-کمی) و توصیفی-تحلیلی است که از تکنیک دلفی فازی برای شناسایی، غربالگری و رتبه‌بندی ابزارها استفاده می‌کند. روند کلی پژوهش شامل چهار مرحله بود: بازشناسی اولیه ابزارها (ادبیات و مصاحبه‌های باز)، گردآوری نظرات خبرگان (دور اول دلفی)، سنجش اهمیت و تجمیع با روش دلفی فازی (دور دوم) و تحلیل نتایج و ارائه سیاست‌ها.

۳-۲ جامعه و نمونه

اندازه نمونه: ۲۰ نفر از خبرگان ذی‌ربط (پژوهشگران اقتصاد دینی و اقتصاد عمومی، مدیران ستادی اربعین، نمایندگان موکب‌ها و هیئت‌های بزرگ، مدیران صندوق‌های وقفی/نیکوکاری، نمایندگان شرکت‌های پیمانکار و واحدهای PPP، کارشناسان مالی اسلامی).



معیار انتخاب خبرگان:

- تجربه حرفه‌ای یا پژوهشی مرتبط با تأمین مالی پروژه‌های اجتماعی/مذهبی یا مدیریت رویدادهای بزرگ؛
- نمایندگی از یکی از گروه‌های زیر: نهادهای مردمی/موکب‌ها، سازمان‌های وقفی، دستگاه‌های دولتی/استادی، شرکت‌های پیمانکار/PPP، دانشگاهیان حوزه اقتصاد اسلامی/اداره عمومی؛
- دست‌کم یک سابقه عملی یا پژوهشی مرتبط با تأمین منابع یا مدیریت پروژه زیرساختی؛
- ترکیب جنسیتی و منطقه‌ای معقول برای گسترش دیدگاه‌ها (تا حد ممکن).
- نمونه‌گیری از نوع هدفمند^۱ و زنجیره‌ای^۲ اجرا شد تا طیف لازم از تخصص‌ها جلب شود.

۳-۳ ابزار گردآوری داده‌ها

فاز اول (دور ۱): مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته فردی با همه خبرگان برای استخراج اولیه فهرست ابزارها و بسترها (پرسش باز: «چه ابزارها و بستری برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین مناسب یا نامناسب هستند؟ چرا؟») و بررسی مستندات موجود. خروجی: شناسایی ۲۵ مؤلفه نهایی (فهرست‌شده در جدول ۲).

فاز دوم (دور ۲): پرسشنامه ساختاریافته شامل:

- فهرست ۲۵ مؤلفه (هر مؤلفه با تعریف عملیاتی کوتاه)؛
 - مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = غیرمهم تا ۵ = بسیار مهم) به علاوه یک بخش نظر آزاد برای پیشنهادهای تکمیلی.
- پرسشنامه به صورت حضوری/الکترونیکی برای همه خبرگان ارسال شد و پاسخ‌ها جمع‌آوری شدند. ماتریس امتیازدهی خبرگان در جدول ۳ قرار دارد.

۳-۴ روش تحلیل فازی (دلفی فازی)

۱. فازی‌سازی عبارات‌های کلامی: مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت به اعدادی فازی مثلثی نگاشت شد (جدول ۱):

جدول ۱. طیف فازی مثلثی

Table 1. Triangular phase spectrum

خیلی مهم	مهم	اهمیت متوسط	کم‌اهمیت	بی‌اهمیت
(۰/۷۵، ۱، ۱)	(۰/۵، ۰/۷۵، ۱)	(۰/۲۵، ۰/۵، ۰/۷۵)	(۰، ۰/۲۵، ۰/۵)	(۰، ۰، ۰/۲۵)

۲. فازی‌سازی امتیازات هر کارشناس: هر امتیاز عددی ۱-۵ به عدد فازی متناظر تبدیل شد.
۳. تجمیع نظرات خبرگان (تجمیع فازی): اگر دیدگاه هر کارشناس به صورت عدد فازی مثلثی (u, m, l) نمایش داده شود، یک روش مرسوم برای تجمیع دیدگاه n کارشناس را کمیته l، میانگین m و بیشینه u در نظر گرفته‌اند. معمولاً برای تجمیع نظرات خبرگان، از روش زیر برای محاسبه میانگین فازی استفاده می‌شود:

¹ purposive

² snowball



$$F_{AGR} = \left(\frac{\sum l}{n}, \frac{\sum m}{n}, \frac{\sum u}{n} \right)$$

۴. فازی‌زدایی^۱: روش‌هایی متنوع و گاه پیچیده برای انجام فازی‌زدایی وجود دارند. یکی از روش‌های ساده برای فازی‌زدایی میانگین اعداد فازی مثلثی به صورت زیر است (Habibi et al., 2015):

$$F_{AVG} = (L, M, U)$$

$$X_m^1 = \frac{L+M+U}{3}$$

$$X_m^2 = \frac{L+2M+U}{4}$$

$$X_m^3 = \frac{L+4M+U}{6}$$

$$Crisp\ number = Z^* = \max(X_m^1, X_m^2, X_m^3)$$

معیار پذیرش و اجماع: در این پژوهش، آستانه پذیرش یک مؤلفه برابر ۰/۷ در مقدار فازی‌زدایی شده تعیین شد. به عبارت دیگر، مؤلفه‌هایی که مقدار فازی‌زدایی شده ≤ 0.7 داشتند به عنوان «قابل قبول/پذیرفته‌شده» تلقی شدند.

۴- داده‌ها و نتایج

در این پژوهش، از دو مرحله دلفی فازی استفاده شد. در مرحله اول، با استفاده از روش دلفی فازی و مصاحبه با ۲۰ نفر از خبرگان، ابزارها و بسترهای تأمین مالی اربعین احصا شدند. این مؤلفه‌ها در جدول ۲ بیان شده‌اند. در مرحله دوم، این مؤلفه‌ها که مشتمل بر ۲۵ مورد هستند، از شماره ۱ تا شماره ۵ امتیازدهی شدند. شماره ۱ به معنای غیرمهم و شماره ۵ به معنای بسیار مهم است. نتایج این مصاحبه در **جدول ۳** بیان شده‌اند (ستون‌های ۲۰ گانه به تفکیک مصاحبه‌شوندگان و سطرها ۲۵ گانه به تفکیک پرسش‌ها هستند). بیشتر این مؤلفه‌ها امتیاز ۴ یا ۵ گرفتند که به معنای مهم یا بسیارمهم است. پس از انجام محاسبات روش دلفی فازی و استحصال میانگین‌های فازی‌زدایی شده، نتایج حاصل در **جدول ۴** بیان شده‌اند.

جدول ۲. ابزارها و بسترهای تأمین مالی اربعین (منبع: یافته‌های پژوهش)

Table 2. Arbacen financing tools and platforms (Source: Research findings)

بخش‌های سه‌گانه	مختصات همکاری	بسترها و ابزارها	شماره مؤلفه
دولت	بسترها و ابزارهای همکاری با مردم	ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم	۱
	مردم	ایجاد صندوق‌های نیکوکاری برای جذب مشارکت مردم	۲
		انتشار اوراق مشارکت برای جذب مشارکت مردم	۳
مالی اربعین	ابزار دولت برای تأمین مالی اربعین	استفاده از بودجه دولتی برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین	۴
	بسترها و ابزارهای همکاری با شرکت‌ها	استفاده از ظرفیت تجمیع بودجه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها	۵
	شرکت‌ها	انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها	۶
		انعقاد قرارداد BOO با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها	۷
		انعقاد قرارداد BOOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها	۸

¹ Defuzzification



شماره مؤلفه	بسترها و ابزارها	مختصات همکاری	بخش‌های سه‌گانه
۹	انتشار اوراق بدون بازده (اوراق قرض‌الحسنه) برای همکاری با مردم	بسترها و ابزارهای همکاری با	شرکت‌ها
۱۰	انتشار اوراق دارای بازده (مرابحه، استصناع و...) برای همکاری با مردم	بخش سوم	
۱۱	استفاده از بودجه مسئولیت اجتماعی برای تأمین مالی زیرساخت‌ها	ابزار مشارکت بخش خصوصی	
۱۲	انعقاد قرارداد BOT با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین	بسترها و ابزارهای همکاری با	
۱۳	انعقاد قرارداد BOO با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین	دولت	
۱۴	انعقاد قرارداد BOOT با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین		
۱۵	تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر	ابزارهای مشارکت بخش سوم	هیئت‌ها، موکب‌ها و نهادهای مردمی
۱۶	تشکیل اتحادیه برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر		
۱۷	استفاده از ظرفیت کرافاندینگ در تجهیز منابع مردمی		
۱۸	استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی		
۱۹	استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی		
۲۰	استفاده از وقف پول در تجهیز منابع مردمی		
۲۱	خرید اوراق بدون بازده (قرض‌الحسنه) برای همکاری با شرکت‌ها	بسترها و ابزارهای همکاری با	
۲۲	خرید اوراق با بازده (مرابحه، استصناع و...) برای همکاری با شرکت‌ها	شرکت‌ها	
۲۳	مشارکت در صندوق‌های وقفی برای همکاری با دولت	بسترها و ابزارهای همکاری با	
۲۴	مشارکت در صندوق‌های نیکوکاری برای همکاری با دولت	دولت	
۲۵	خرید اوراق مشارکت برای همکاری با دولت		

ابزارها و بسترهای مطرح‌شده در این مقاله را در قالب **شکل ۱** نیز می‌توان بیان کرد تا ارتباط ابزارهای بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش سوم اقتصاد واضح‌تر باشد:



شکل ۱. نسبت ابزارها و بسترهای تأمین مالی اربعین با بخش‌های سه‌گانه

Figure 1. Ratio of Arbaeen financing tools and platforms to the three sectors

نتایج مصاحبه با خبرگان به صورت زیر است:



جدول ۳. امتیازدهی خبرگان به مؤلفه‌های الگوی جامع (منبع: یافته‌های پژوهش)

Table 3. Experts' scoring of the components of the comprehensive model (Source: Research findings)

A20	A19	A18	A17	A16	A15	A14	A13	A12	A11	A10	A9	A8	A7	A6	A5	A4	A3	A2	A1	
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۵	D1
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D2
۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	D3
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	D4
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۳	۴	D5
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۵	D6
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	D7
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D8
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	D9
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۳	۴	D10
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۵	D11
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D12
۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D13
۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D14
۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	D15
۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۴	D16
۴	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۵	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D17
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	D18
۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	D19
۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۴	۵	D20
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۳	۴	۳	۴	D21
۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D22
۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۲	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D23
۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D24
۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	D25

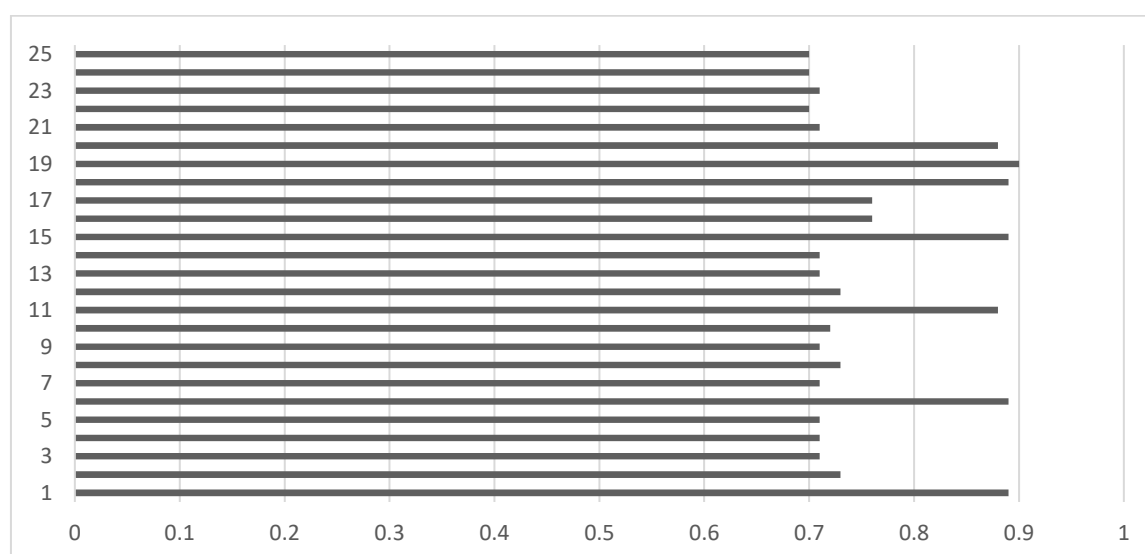
جدول ۴. میانگین فازی‌زدایی شده از مؤلفه‌های الگوی جامع (منبع: یافته‌های پژوهش)

Table 4. Defuzzified mean of the components of the comprehensive model (Source: Research findings)

میانگین فازی‌زدایی شده	شماره مؤلفه
۰/۸۹	۱
۰/۷۳	۲
۰/۷۱	۳
۰/۷۱	۴
۰/۷۱	۵
۰/۸۹	۶
۰/۷۱	۷
۰/۷۳	۸
۰/۷۱	۹
۰/۷۲	۱۰
۰/۸۸	۱۱

شماره مؤلفه	میانگین فازی زدایی شده
۱۲	۰/۷۳
۱۳	۰/۷۱
۱۴	۰/۷۱
۱۵	۰/۸۹
۱۶	۰/۷۶
۱۷	۰/۷۶
۱۸	۰/۸۹
۱۹	۰/۹۰
۲۰	۰/۸۸
۲۱	۰/۷۱
۲۲	۰/۷۰
۲۳	۰/۷۱
۲۴	۰/۷۰
۲۵	۰/۷۰

«اگر مقدار دی فازی شده عدد فازی مثلثی با توجه به نظر خبرگان برابر با $0/7$ یا بالاتر از آن باشد، به عنوان معیار قابل قبول پذیرش شده و در غیر این صورت مورد قبول واقع نمی شود» (صمدی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه بیشتر مؤلفه های بالا دارای درجه اهمیت ۴ یا ۵ و همگی دارای میانگین فازی زدایی شده بیش از $0/7$ هستند، ابزارهای الگوی جامع تأمین مالی اربعین مورد اجماع صاحب نظران و خبرگان هستند. جدول بالا را اگر به ترتیب میانگین فازی زدایی شده مرتب کنیم، نمودار زیر مطابق شکل ۲ حاصل می شود:



شکل ۲. میانگین فازی زدایی شده ابزارهای الگوی تأمین مالی اربعین (منبع: یافته های پژوهش)

Figure 2. Defuzzified average of Arbacen financing model instruments (Source: Research findings)



و از این رو، مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین به ترتیب اهمیت و اولویت در قالب **جدول ۵** قابل احصا و رتبه‌بندی هستند. طبق این جدول، استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی به عنوان مهم‌ترین مؤلفه و ابزار شناخته شده است و پس از آن، «ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم»، «تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر»، «استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی» و «انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها» در رتبه‌های دوم تا پنجم اهمیت قرار دارند:

جدول ۵. ابزارهای الگوی تأمین مالی اربعین به ترتیب اهمیت (منبع: یافته‌های پژوهش)

Table 5. Arbaeen financing model tools in order of importance (Source: Research findings)

میانگین فازی‌زدایی	شماره مؤلفه	بسترها و ابزارها
۰/۹	۱۹	استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی
۰/۸۹	۱	ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم
۰/۸۹	۱۵	تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر
۰/۸۹	۱۸	استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی
۰/۸۹	۶	انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها
۰/۸۸	۱۱	استفاده از بودجه مسئولیت اجتماعی برای تأمین مالی زیرساخت‌ها
۰/۸۸	۲۰	استفاده از وقف پول در تجهیز منابع مردمی
۰/۷۶	۱۶	تشکیل اتحادیه برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر
۰/۷۶	۱۷	استفاده از ظرفیت کرافاندینگ در تجهیز منابع مردمی
۰/۷۳	۲	ایجاد صندوق‌های نیکوکاری برای جذب مشارکت مردم
۰/۷۳	۸	انعقاد قرارداد BOOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها
۰/۷۳	۱۲	انعقاد قرارداد BOT با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین
۰/۷۲	۱۰	انتشار اوراق دارای بازده (مرابحه، استصناع و...) برای همکاری با مردم
۰/۷۱	۳	انتشار اوراق مشارکت برای جذب مشارکت مردم
۰/۷۱	۴	استفاده از بودجه دولتی برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین
۰/۷۱	۵	استفاده از ظرفیت تجمیع بودجه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها
۰/۷۱	۷	انعقاد قرارداد BOO با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها
۰/۷۱	۹	انتشار اوراق بدون بازده (اوراق قرض‌الحسنه) برای همکاری با مردم
۰/۷۱	۱۳	انعقاد قرارداد BOO با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین
۰/۷۱	۱۴	انعقاد قرارداد BOOT با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین
۰/۷۱	۲۱	خرید اوراق بدون بازده (قرض‌الحسنه) برای همکاری با شرکت‌ها
۰/۷۱	۲۳	مشارکت در صندوق‌های وقفی توسط مردم برای همکاری با دولت
۰/۷	۲۲	خرید اوراق با بازده (مرابحه، استصناع و...) برای همکاری با شرکت‌ها
۰/۷	۲۴	مشارکت در صندوق‌های نیکوکاری توسط مردم برای همکاری با دولت
۰/۷	۲۵	خرید اوراق مشارکت توسط مردم برای همکاری با دولت

۴-۱ توضیح ابزارها و بسترها

استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی

این مؤلفه با میانگین فازی‌زدایی شده ۰/۹۰ بیشترین اهمیت را در رتبه‌بندی ابزارهای تأمین مالی اربعین داراست. علت این امر همان اهمیت مقوله وقف در آموزه‌های دینی و تأثیرات چشمگیر و پربرت آن در درازمدت است. از این رو، برای تأمین مالی زیرساخت‌ها، یکی از ابزارهای بسیار مناسب، وقف است. وقف ابزاری مؤثر برای توزیع مجدد ثروت و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر است، بدون اینکه بار مالی بر بودجه دولت وارد کند. این سنت، همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مختلف جامعه، از جمله ثروتمندان و فقرا، را تقویت می‌کند و تا حد زیادی تضادهای طبقاتی را کاهش می‌دهد. وقف همچنین مشارکت مردم را در امور اجتماعی افزایش می‌دهد؛ به طوری که واقف با اراده آزاد و داوطلبانه خود، بخشی از دارایی‌اش را اختصاص می‌دهد و مراکز عام‌المنفعه‌ای را ایجاد می‌کند (بختیاری، ۱۳۸۱). مقوله وقف که از دیرباز درباره امور مختلف و در قالب سستی در میان مردم رواج داشته است، به همان شکل سستی خود می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تأمین مالی آیین اربعین استفاده شود.

صندوق‌های وقفی

مهم‌ترین عامل مؤثر در کارایی روش صندوق وقفی فراهم کردن فرصت مشارکت نهادهای مردمی در تمام مراحل مرتبط با درآمدهای وقفی است؛ از تصمیم‌گیری اولیه برای راه‌اندازی طرح خاص توزیع این درآمدها، تا اجرای فرایند توزیع و در نهایت ارزیابی نتایج آن. این مشارکت گسترده موجب گسترش و تقویت تأثیرات اجتماعی حاصل از توزیع عواید موقوفات خواهد شد (کاظمی نجف آبادی، ۱۳۹۶).

وجود صندوق‌های وقفی برای جلب مشارکت مردم می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. پرسش این است که این صندوق‌ها باید توسط دولت ایجاد شوند یا خیر. با توجه به اینکه ماهیت پروژه‌های زیرساختی از جنس کالاهای عمومی است، این امر مفید است که دولت از طریق ایجاد صندوق‌های وقفی، مشارکت مردم را جلب کند. از این رو، تأسیس این صندوق‌ها توسط دولت امری مثبت است. مبتنی بر این نگرش، میانگین امتیاز خبرگان به مؤلفه «ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم» بسیار زیاد و برابر ۰/۸۹ است و در واقع، این مؤلفه به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناخته شده است. امتیاز خبرگان به مؤلفه «مشارکت در صندوق‌های وقفی توسط مردم برای همکاری با دولت» برابر ۰/۷۱ است و در درجه‌ای کمتر از اهمیت قرار دارد. علت اختلاف امتیازات این دو مؤلفه این است که اگر از زاویه مردم به این مؤلفه نگریسته شود، مشارکت آنها در صندوق‌های وقفی برای همکاری با دولت در درجه‌ای پایین‌تر از اهمیت قرار دارد؛ زیرا برخی از ابزارهای دیگر مانند وقف، تشکیل تعاونی و همچنین تجمیع نذورات، در درجه‌ای بالاتر از اهمیت قرار دارند.

تشکیل تعاونی و اتحادیه

تعاونی، نوعی مشارکت است که گروهی از افراد با صنف یا ویژگی‌های مشابه - مانند همسایه، دوست، خویشاوند یا همشهری - برای رسیدن به منافع مشترک گرد هم می‌آیند. این افراد با کمک به یکدیگر، تعاونی‌هایی برای تهیه مسکن، خرید مایحتاج یا کسب اعتبار و وام تشکیل می‌دهند، سرمایه‌ای مشخص را به اشتراک می‌گذارند و به صورت جمعی مشکلات خود را حل می‌کنند. از سوی دیگر، اتحادیه صنفی گروهی از افراد خوش‌نام هر صنف (گاهی چند صنف مرتبط با هم در یک اتحادیه حضور دارند و اعضای منتخب از این صنوف تشکیل می‌شوند) هستند که با هدف حمایت از حقوق صنفی، ایجاد همکاری میان کسبه آن رسته، بهبود خدمات به مصرف‌کنندگان، تقویت اقتصاد شهر و ارتباط با مؤسسه‌های دولتی و خصوصی تشکیل می‌شوند. این اتحادیه همچنین مسئول اجرای وظایف قانونی مربوط به نظام صنفی و آیین‌نامه‌های مرتبط است (یزدانپناه، ۱۳۹۸).



طبق نظر خبرگان، میانگین امتیاز مؤلفه «تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر» برابر ۰/۸۹ است و در درجه‌ای بالا از اهمیت قرار دارد. علت این امر مشخص است؛ زیرا تعاونی در زمینه تأمین مالی اربعین می‌تواند در رساندن مواد خام به موکب‌ها کمک کند؛ برای مثال، برنج و چای و مواد غذایی به موکب‌ها برساند یا به موکب‌ها آب‌رسانی کند یا خدمات جمع‌پسماندها را انجام دهد. تعاونی می‌تواند برای تأمین این مواد خام از اموری مانند جذب نذورات مردمی استفاده کند.

البته میانگین امتیاز خبرگان به مؤلفه «تشکیل اتحادیه برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر» برابر ۰/۷۶ است. در واقع، اهمیت این مؤلفه زیاد محسوب شده است، اما درجه اهمیت آن پایین‌تر از درجه اهمیت تشکیل تعاونی است. تفاوت اصلی بین اتحادیه و تعاونی در نقش، ساختار و هدف آنهاست که مبتنی بر مقاله والری^۱ (2022) به شرح زیر است و در **جدول ۶** هم به طور خلاصه آورده شده است.

تعاونی^۲: تعاونی یک نوع بنگاه اقتصادی است که اعضای آن برای تأمین نیازهای مشترکشان (مانند خرید، فروش، تولید، خدمات) دور هم جمع می‌شوند.

- اعضای تعاونی: معمولاً اشخاص حقیقی با هدف نفع مشترک عضو می‌شوند.
 - هدف تعاونی: تأمین منافع اعضا، نه حداکثر سود.
 - مثال: تعاونی مصرف، تعاونی مسکن، تعاونی تولیدی کشاورزی.
 - مالکیت و رأی‌گیری: هر عضو یک رأی دارد، حتی اگر سرمایه بیشتری داشته باشد.
- اتحادیه^۳: اتحادیه معمولاً از تعدادی تعاونی تشکیل می‌شود که با هم برای رسیدن به اهداف بزرگ‌تر یا هماهنگی بهتر فعالیت می‌کنند.

- اعضای اتحادیه: اعضای آن معمولاً تعاونی‌ها یا صنف‌ها هستند، نه افراد عادی. یعنی اعضای آن برخلاف تعاونی، اعضای حقیقی نیستند، بلکه اعضای حقوقی هستند.
- هدف: حمایت از اعضا، تنظیم بازار، دفاع از منافع صنفی، هماهنگی بین تعاونی‌ها یا فعالان صنفی.
- مثال: اتحادیه تعاونی‌های مصرف فرهنگیان، اتحادیه نانوایان، اتحادیه فروشندگان لوازم خانگی.
- ساختار: می‌تواند نقش سیاست‌گذاری، هماهنگ‌کننده یا ناظر داشته باشد.

جدول ۶. تفاوت تعاونی و اتحادیه (منبع: Valery, 2022)

Table 6. Difference between cooperative and union (Source: Valery, 2022)

اتحادیه	تعاونی
اعضا	اشخاص حقیقی
هدف	تأمین منافع اعضا، نه حداکثر سود
مثال	تعاونی مصرف، تعاونی مسکن، و...
ساختار	هر عضو یک رأی، هرچند با سرمایه بیشتر
	تعاونی‌ها و صنف‌ها (اشخاص حقوقی)
	هماهنگی و حمایت از اعضا
	اتحادیه تعاونی‌ها، اتحادیه صنفی
	اعضای حقوقی مالک اتحادیه هستند

¹ Valeri

² Cooperative

³ Union or Association



صندوق‌های نیکوکاری

صندوق نیکوکاری نوعی از صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت و پیش‌بینی سود است که برای پیشبرد یک کار خیرخواهانه تأسیس می‌شود؛ یعنی مدیر صندوق، سرمایه‌گذاران را در منابعی سرمایه‌گذاری می‌کند که در امیدنامه صندوق نیکوکاری مشخص شده‌اند. سپس، سود حاصل از آن را در اختیار فعالیت‌های خیرخواهانه (که آن هم در اساسنامه صندوق نیکوکاری مشخص شده است) قرار می‌دهد (رحمتی، ۱۴۰۳).

میانگین امتیاز خبرگان به مؤلفه «استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی» برابر ۰/۸۹ است. میانگین امتیاز آنها به مؤلفه «ایجاد صندوق‌های نیکوکاری برای جذب مشارکت مردم» برابر ۰/۷۳ است و میانگین امتیاز آنها به مؤلفه «مشارکت در صندوق‌های نیکوکاری توسط مردم برای همکاری با دولت» نیز برابر ۰/۷۰ است. علت اختلاف امتیازات این است که اگر از زاویه مردم به این مؤلفه نگریسته شود، مشارکت آنها در صندوق‌های نیکوکاری برای همکاری با دولت در درجه‌ای پایین‌تر از اهمیت قرار دارد؛ زیرا برخی از ابزارهای دیگر مانند وقف، تشکیل تعاونی و همچنین تجمیع نذورات در درجه‌ای بالاتر از اهمیت قرار دارند.

مشارکت دولت و بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه‌ها

در پروژه‌هایی که دولت توان تأمین مالی آنها را ندارد، بخش خصوصی به میان می‌آید و با انعقاد قراردادهایی با دولت از جمله BOT، BOO و BOOT، به تأمین مالی آنها کمک می‌کند. این در واقع نوعی از مشارکت دولت و بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه‌هاست. مزایای استفاده از این قراردادها در اربعین عبارت‌اند از:

- جذب سرمایه‌های بخش خصوصی: دولت می‌تواند با استفاده از این قراردادها، سرمایه‌های سرگردان بخش خصوصی را به سمت پروژه‌های زیرساختی اربعین جذب کند.
- کاهش بار مالی دولت: با مشارکت بخش خصوصی، دولت می‌تواند بخشی از هزینه‌های مربوط به ساخت و توسعه زیرساخت‌ها را به بخش خصوصی منتقل کند.
- تسریع در اجرای پروژه‌ها: بخش خصوصی معمولاً پروژه‌ها را سریع‌تر و با کیفیتی بهتر نسبت به دولت اجرا می‌کند.
- بهره‌گیری از تخصص و دانش فنی بخش خصوصی: بخش خصوصی دارای تخصص و دانش فنی زیادی در زمینه ساخت و بهره‌برداری از پروژه‌های زیرساختی است که می‌تواند به بهبود کیفیت پروژه‌ها کمک کند.

ساخت، بهره‌برداری و انتقال^۱

این نوع قرارداد اقتصادی معمولاً بین دولت‌ها یا نهادهای مسئول اقتصاد و شرکت‌های بخش خصوصی منعقد می‌شود. در این قرارداد، شرکت بخش خصوصی متعهد می‌شود سرمایه‌گذاری لازم برای اجرای پروژه‌ای عمدتاً بزرگ و زیرساختی را انجام دهد، سپس برای مدتی مشخص از پروژه بهره‌برداری کند و در پایان، آن را به صورت کامل و عملیاتی به طرف مقابل تحویل دهد که معمولاً دولت است. این قرارداد برای ایجاد زیرساخت‌ها کارکرد زیادی دارد و می‌تواند در اربعین استفاده شود و از این رو، از اهمیت زیادی برخوردار است.

طبق نظر خبرگان، میانگین امتیاز مؤلفه «انعقاد قرارداد BOT توسط دولت با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها» برابر ۰/۸۹ است و میانگین امتیاز «انعقاد قرارداد BOT توسط شرکت‌ها با دولت برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین» برابر ۰/۷۳

¹ Build-Operate-Transfer



است. این اختلاف امتیازات ناشی از این است که طبق نظر خبرگان، اگر از زاویه وظایف دولت به این مسئله نگریسته شود، انعقاد این قرارداد با شرکت‌ها امری بسیار مهم تلقی می‌شود و می‌تواند به عنوان یکی از اولویت‌های دولت مورد توجه قرار گیرد؛ اما اگر از زاویه وظایف شرکت‌ها به این مسئله نگریسته شود، انعقاد چنین قراردادی با دولت در سطحی پایین‌تر از اولویت و اهمیت قرار دارد؛ زیرا استفاده از بودجه مسئولیت اجتماعی برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین دارای اهمیت و اولویت بسیار بیشتری است. از سوی دیگر، این دولت است که باید پیگیر و مترصد چنین قراردادی باشد و نه شرکت‌ها. علت اینکه قرارداد BOOT نسبت به BOT در سطحی پایین‌تر از اهمیت قرار دارد این است که در این قرارداد، پروژه‌های زیرساختی اربعین برای مدتی تحت تملک شرکت‌ها خواهند بود. با توجه به اینکه برخی از شرکت‌ها صرفاً به دنبال منافع شخصی مادی خود هستند، چنین امری می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد و در مدت تملک زیرساخت‌های اربعین، اهداف و اغراض شخصی خود را پیگیری کند و به دنبال تحقق اهداف اربعین نباشد. از این رو، اهمیت BOOT کمتر از BOT است. همین استدلال درباره قرارداد BOO نیز صادق است.

قرارداد BOT و تفاوت آن با سایر روش‌های PPP

قرارداد BOT مدلی از مشارکت عمومی-خصوصی است که در آن یک شرکت خصوصی پروژه‌ای بزرگ را تأمین مالی، طراحی، ساخت و برای مدتی مشخص بهره‌برداری می‌کند و پس از طی این دوره، مالکیت و کنترل پروژه به نهاد دولتی یا عمومی واگذار می‌شود (Hayes, 2025). به عبارت دیگر، دولت به شرکت خصوصی امتیاز می‌دهد تا پروژه را بسازد و بهره‌برداری کند و پس از پایان قرارداد (معمولاً ۲۰-۳۰ سال) دارایی به دولت بازگردد. این مدل، برخلاف سایر اشکال PPP، مانند BOO یا DBFO است که در آنها ممکن است مالکیت نهایی باقی بماند. در مدل BOT، انتقال مالکیت در پایان قرارداد مشخص است؛ اما در بسیاری از مدل‌های عمومی‌تر PPP «مشارکت عمومی-خصوصی»، مشارکت و ساختار قرارداد می‌تواند متنوع باشد و الزاماً به انتقال نهایی منجر نشود. به طور خلاصه، BOT نوعی خاص از PPP محسوب می‌شود که درجه‌ای بالاتر از ریسک و سرمایه‌گذاری را به عهده بخش خصوصی می‌گذارد و دارای یک تاریخ واگذاری روشن است (Rosenston, 2024).

مزایا و محدودیت‌های BOT در پروژه‌های خیرخواهانه

مزایا: استفاده از BOT به دولت امکان می‌دهد تا بدون صرف بودجه بزرگ اولیه، پروژه‌های زیربنایی را اجرا کند؛ زیرا سرمایه‌گذاری و ریسک‌های ساخت و تأمین مالی در مرحله نخست به عهده بخش خصوصی است (Atkinson, 1996). بنابراین، دولت می‌تواند بار مالی خود را کاهش دهد و فناوری و تجربیات جدید بخش خصوصی را وارد پروژه کند. از طرف دیگر، شرکت خصوصی می‌تواند با مدیریت حرفه‌ای خطرهای ساخت را کاهش دهد و در دوران بهره‌برداری با کسب درآمد (مانند عوارض یا پرداخت‌های دولتی) بازگشت سرمایه داشته باشد. برای مثال، در کشورهایی مانند کانادا، استرالیا و بریتانیا، از دهه ۱۹۹۰، پروژه‌های زیرساخت اجتماعی (مانند مراکز درمانی و آموزشی) معمولاً از طریق PPP اجرا شده‌اند که نشان‌دهنده جذابیت این مدل برای تأمین مالی پروژه‌های عام‌المنفعه است (Patel & Ahmed, 2019).

محدودیت‌ها: نخست آنکه بسیاری از پروژه‌های خیرخواهانه (مانند مدارس و بیمارستان‌ها) درآمدزایی مستقلی ندارند. در نتیجه، قرارداد BOT در این حوزه نیازمند تضمین پرداخت یا حمایت مالی دولت است. مطالعات نشان می‌دهند برای زیرساخت‌های اجتماعی معمولاً از مدل پرداخت بر اساس دسترسی^۱ استفاده می‌شود؛ به این صورت که بخش خصوصی از

¹ availability payment



محل پرداخت‌های دوره‌ای دولت به هزینه‌های خود و سود اندک دست می‌یابد. علاوه بر این، قراردادهای BOT معمولاً بسیار پیچیده و بلندمدت هستند؛ مدیریت ریسک‌ها و مناقشات قراردادی نیاز به ساختار قانونی و نهادی قوی دارد. در واقع، پژوهشی تأکید کرده است قراردادهای BOT نیازمند «معامله طولانی‌مدت و تخصیص ریسک پیچیده» هستند که مستلزم وجود سازوکارهای قوی حکمرانی زیرساخت است (Rodrigues, 2023). در نهایت، استفاده از BOT در پروژه‌های غیرانتفاعی ممکن است جذابیت بخش خصوصی را کاهش دهد؛ زیرا سودآوری کم است و سرمایه‌گذار صرفاً با سرمایه‌گذاری گسترده و ریسک زیاد، بازگشتی اندک خواهد داشت.

مثال‌های موفق از کشورهای مختلف

- ترکیه (زیرساخت بهداشتی): دولت ترکیه در چارچوب برنامه تحول سلامت از مدل‌های BOT/PPP برای ساخت ده‌ها بیمارستان جدید استفاده کرده است. در این پروژه‌ها، ساخت بیمارستان‌ها حدود ۳ سال طول کشیده است و بخش خصوصی به مدت حدود ۲۵ سال عملیات پشتیبانی و نگهداری بیمارستان‌ها را به عهده دارد. در این مدت، بخش خصوصی مستقیماً از بیماران هزینه دریافت نمی‌کند و در عوض، ماهانه از وزارت بهداشت اجاره‌بها (شامل پرداخت بر اساس امکانات و خدمات) دریافت می‌کند. پس از پایان قرارداد، مالکیت بیمارستان‌ها به دولت واگذار می‌شود. قوانینی ویژه نیز در ترکیه تصویب شده بودند (قانون BOT در سال ۱۹۹۴) که چارچوب قانونی این پروژه‌ها را تعیین کردند (Ergun, 2023).
- چین (زیرساخت‌های سلامت): مطالعات نشان می‌دهند استفاده از مدل BOT تمایل سرمایه‌گذاران خصوصی را برای مشارکت در خدمات بهداشتی ملی چین افزایش داده است. در این کشور، شرکت‌های خصوصی علاقه‌مند به فعالیت‌های ساخت‌وساز با جذب سرمایه از طریق BOT توانسته‌اند در توسعه زیرساخت‌های درمانی مشارکت کنند (Yang et al., 2020).
- ایالات متحده آمریکا (آموزش و سایر پروژه‌ها): ایالات متحده با وجود اینکه دیرتر از برخی از کشورها به مدل PPP روی آورد، پروژه‌هایی مهم را در این قالب اجرا کرده است. برای مثال، دانشگاه کالیفرنیا در مرسد^۱ یک پردیس جدید به ارزش ۱/۲ میلیارد دلار را با مشارکت بخش خصوصی بر اساس مدل PPP ساخت. همچنین، ایالات کالیفرنیا و شهرستان‌هایی دیگر مانند مرلند و فلوریدا چند پروژه بزرگ اجتماعی (مدارس، بیمارستان و ساختمان‌های اداری) را به کمک PPP تأمین مالی کرده‌اند. به طور کلی، کشورهای پیشرفته‌ای مانند بریتانیا، کانادا و استرالیا از دهه ۱۹۹۰ میلادی از PPP برای تأمین زیرساخت‌های اجتماعی (آموزشی، بهداشتی، مسکن اجتماعی و ...) استفاده کرده‌اند؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد مدل‌های شبه BOT می‌توانند به کاهش بار مالی دولت‌ها و تسریع پروژه‌های عمومی منجر شوند (Patel & Ahmed, 2019).

راهکارهایی برای تطبیق BOT با پروژه‌های غیرانتفاعی

- تأمین مالی ترکیبی: برای جبران سوددهی کم پروژه‌های عام‌المنفعه، می‌توان از سرمایه‌گذاری ترکیبی بهره برد. برای مثال، ترکیب سرمایه دولتی، کمک‌های خیرین یا صندوق‌های نیکوکاری با سرمایه خصوصی، هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد و پروژه را جذاب‌تر می‌کند. به گفته مجمع جهانی واحدهای PPP، «سرمایه‌گذاری ترکیبی به‌کارگیری سرمایه تخفیفی (عمومی و خیری) در کنار سرمایه تجاری است تا توازن مالی پروژه‌های زیرساختی اجتماعی حفظ شود». به عبارت دیگر، حمایت‌های مالی هدفمند می‌تواند ریسک و هزینه پروژه را برای سرمایه‌گذار خصوصی کاهش دهد (Petersen, 2019).
- مدل پرداخت بر اساس دسترسی: از آنجا که دریافت عوارض مستقیم در پروژه‌های آموزشی یا درمانی ممکن نیست، دولت می‌تواند پرداخت‌های دوره‌ای (برای مثال، اجاره‌بها یا نرخ ثابت ماهانه) به سرمایه‌گذار انجام دهد. این روش در

¹ University of California, Merced



بسیاری از پروژه‌های اجتماعی به کار رفته است. در چنین مدلی، بخش خصوصی تأمین و نگهداری زیرساخت را تضمین می‌کند و در مقابل، دولت هزینه‌های مربوط را در طول مدت قرارداد می‌پردازد. این رویه از یک سو، دولت را از پرداخت هزینه سنگین اولیه معاف می‌کند و از سوی دیگر، انگیزه بخش خصوصی برای نگهداری کیفیت را با مشوق‌های قراردادی (ضمانت پرداخت) افزایش می‌دهد (Xiong et al., 2019).

- تدوین سیاست‌ها و ظرفیت‌سازی: دولت‌ها می‌توانند با تصویب قوانین و مقررات مشخص PPP و ایجاد واحدهای تخصصی PPP در سطح ملی یا منطقه‌ای، فرایند را تسهیل کنند. همچنین، آموزش مسئولان دولتی و بخش خصوصی در زمینه مدیریت پروژه‌های بلندمدت و طراحی قراردادهای مبتنی بر نتایج^۱ اهمیت دارد. استفاده از الگوها و قراردادهای استاندارد (منطبق بر مفاد بانک جهانی یا OECD) نیز به کاهش ریسک اختلافات کمک می‌کند (Hellowell, 2016).
- تضمین شفافیت و پایش عملکرد: برای پاسخ‌گویی به اهداف عام‌المنفعه، ضروری است سازوکارهای شفافیت و ارزیابی عملکرد تعریف شوند. این اقدام‌ها شامل گزارش‌دهی منظم، ارزیابی کیفیت خدمات (برای مثال، ارزیابی آموزشی مدارس یا خدمات بیمارستانی) و مشارکت جامعه مدنی در نظارت هستند. همچنین، مشوق‌هایی مانند تضمین حداکثر سود معقول برای سرمایه‌گذار یا مکانیسم‌های تعدیل قرارداد (برای شرایط مالی نامساعد) می‌توانند ریسک‌ها را کاهش دهند (Carvalho & Rodrigues, 2022).

۴-۲ تحلیل نتایج

در این بخش، تحلیل علی و تبیینی نتایج ارائه می‌شود؛ هدف توضیح علت اولویت‌بندی‌های به‌دست‌آمده و استخراج تبعات عملی است.

چرا «وقف» در رتبه اول قرار گرفت؟

- پذیرش دینی و فرهنگی: وقف نهادی با پشتوانه فقهی و تاریخی در جوامع شیعی است که از اعتبار و مقبولیت زیادی برخوردار است؛ این امر انگیزه مشارکت و انتقال منابع را تسهیل می‌کند. (ملاک پذیرش از منظر شرعی و اجتماعی قوی است).
- پایداری منابع: وقف (در شکل دارایی‌های مولد یا صندوق‌های وقفی) می‌تواند درآمدی مداوم تولید کند و نیاز به جمع‌آوری تکراری منابع را کاهش دهد؛ از این رو، برای پروژه‌های زیرساختی با نیازهای نگهداری سالانه مطلوب‌تر است.
- عدم فشار بر بودجه دولت و حمایت اجتماعی: وقف می‌تواند بار مالی دولت را کاهش دهد و در عین حال، حس تعلق و مشارکت مردمی را تقویت کند.

- شفافیت و پیوند محلی: اگر وقف به صورت نهادهای شفاف و با گزارش‌دهی منظم سازمان‌دهی شود، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و مشارکت بیشتر می‌شود؛ بنابراین، از نظر مقبولیت اجتماعی و پایداری فنی-مالی، وقف بر ابزارهای صرفاً بازاری برتری دارد.

چرا «BOT» نسبت به «BOOT» و «BOO» در سطحی بالاتر قرار گرفته است؟

- ویژگی ماهوی BOT: در قرارداد BOT شرکت خصوصی پروژه را می‌سازد، بهره‌برداری و سپس دارایی را به دولت واگذار می‌کند. این ساختار برای پروژه‌های با جنبه عمومی زیاد (مانند زیرساخت‌های زیارتی) مناسب است؛ زیرا در پایان مالکیت عمومی حفظ می‌شود و نگرانی از «خصوصی‌سازی بلندمدت» برطرف می‌شود.

¹ output-based contracts



- ملاحظات فرهنگی-اجتماعی: واگذاری بلندمدت مالکیت زیرساخت‌های مرتبط با آیین مذهبی به بخش خصوصی (مدل BOOT یا BOO) ممکن است با حساسیت‌های فرهنگی و نگرانی‌های عمومی مواجه شود (نگرانی از جهت‌دهی به منافع خصوصی یا تغییر کاربری). از این رو، BOT (که انتقال نهایی به دولت را تضمین می‌کند) از نظر خبرگان ارجح بود.
- تسهیل پذیرش مردمی: مشارکت بخش خصوصی در قالب BOT (با تضمین بازگشت مالکیت عمومی) پذیرش اجتماعی و سیاسی بهتری دارد و می‌توان سازوکارهای تضمین کیفیت و پرداخت مبتنی بر دسترسی را افزود.

نقش کرادفاندینگ و صندوق‌های نیکوکاری

کرادفاندینگ و صندوق‌های نیکوکاری در رتبه‌های میانی و بالا قرار گرفتند (به ویژه صندوق‌های نیکوکاری و صندوق‌های وقفی ساختارمند) و دلیل آن ترکیبی از توانایی جذب خرد جمعی و نیاز به شفافیت و مدیریت حرفه‌ای است. کرادفاندینگ به شرط وجود پلتفرم‌های شفاف و گزارش‌دهی منظم می‌تواند منابع کوتاه‌مدت و هدف‌مند تأمین کند؛ اما برای زیرساخت‌های بلندمدت به ترکیب با وقف و ابزارهای بزرگ‌تر نیاز است.

تفسیر معنایی رتبه‌های میانی و پایین

ابزارهای صرفاً بازارمحور (اوراق با بازده برای مردم یا خرید اوراق توسط مردم) در سطحی پایین‌تر قرار گرفتند؛ علت اصلی ریسک‌پذیری کمتر اجتماع هدف، نیاز به تضمین بازده و ضعف زیرساخت اطلاع‌رسانی و اعتماد برای عرضه عمومی این اوراق برشمرده شد. همچنین، مشارکت دولتی مستقیم (بودجه دولتی) در جایگاه میانی قرار گرفت که نشان‌دهنده انتظار برای نقش هدایتگر دولت اما نه نقش کامل تأمین‌کننده است.

۵- نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه ایام اربعین یکی از مهم‌ترین مناسبت‌های مذهبی در کشور ماست، تأمین مالی مناسب و مؤثر می‌تواند تأثیراتی مثبت بر کیفیت خدمات‌رسانی به زائران داشته باشد. امکانات بهتری همچون زیرساخت‌های حمل‌ونقل، خدمات بهداشتی و درمانی و امکانات اقامتی می‌تواند به زائران این ایام کمک کند تا تجربه‌ای بهتر و راحت‌تر داشته باشند. تأمین مالی از طریق نذر، هبه و صدقه نه فقط به تقویت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد حس تعلق و مسئولیت اجتماعی در افراد جامعه نیز منجر می‌شود. این حس تعلق می‌تواند جامعه را به سمت آینده‌ای بهتر و پایدارتر هدایت کند و همگان را تشویق کند تا در راستای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور خود مشارکت کنند.

بنابر آنچه بیان شد و طبق جدول ۷، طی مصاحبه‌ها و با استفاده از روش دلفی فازی، ۲۵ ابزار و بستر برای الگوی جامع تأمین مالی اربعین استخراج و توسط خبرگان رتبه‌بندی شدند. پنج ابزار و بستر مهم‌تر به ترتیب عبارت بودند از: «استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی»، «ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم»، «تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر»، «استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی» و «انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها».

جدول ۷. خلاصه ابزارهای تأمین مالی اربعین (منبع: یافته‌های پژوهش)

Table 7. Summary of Arbreen financing tools (Source: Research findings)

اولویت‌ها	بسترها و ابزارهای الگوی جامع تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین
۱	استفاده از وقف در تجهیز منابع مردمی
۲	ایجاد صندوق‌های وقفی برای جذب مشارکت مردم
۳	تشکیل تعاونی برای همکاری نهادهای مردمی با یکدیگر
۴	استفاده از صندوق‌های نیکوکاری در تجهیز منابع مردمی
۵	انعقاد قرارداد BOT با شرکت‌ها برای تأمین مالی زیرساخت‌ها

مطابق این الگو، هر کدام از سه بخش اصلی اقتصاد می‌توانند نقش و جایگاهی مهم در تأمین مالی اربعین ایفا کنند و بدون حضور هر یک، این نقشه دارای خلأ و نقص خواهد بود. از این رو، نمی‌توان هیچ یک را نادیده گرفت. در این راستا، پیشنهاد می‌شود دولت و بخش خصوصی از طریق انعقاد قراردادهای BOT (ساخت، بهره‌برداری، انتقال) اقدام به مشارکت و همکاری در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی اربعین کنند. همچنین هیئت‌ها، موکب‌ها و نهادهای مردمی از طریق بسترها و ابزارهایی مانند صندوق‌های نیکوکاری و وقفی، در تأمین مالی پروژه‌های زیرساختی اربعین مشارکت کنند و برای افزایش همکاری‌ها و هماهنگی‌ها میان خودشان و دولت و بخش خصوصی، اتحادیه‌ها و تعاونی‌هایی را ایجاد کنند تا قدرت تصمیم‌گیری و چانه‌زنی خود برای تأمین مالی زیرساخت‌های اربعین را افزایش دهند.

پیشنهاد می‌شود نهادهای مردمی یک صندوق نیکوکاری یا وقفی ایجاد کنند که منابع آن از محل مشارکت‌های مردمی و از طریق یک پلتفرم دیجیتال کرادفاندینگ تأمین شوند. سود منابع این صندوق نیکوکاری می‌تواند در راستای تأمین پروژه‌های BOT مصرف شود. و از این رو، سود صندوق‌های نیکوکاری و بخشی از بودجه دولتی و همچنین منابع پلتفرم کرادفاندینگ (و حتی در صورت موافقت شرکت‌ها، بخشی از بودجه مسئولیت اجتماعی آنها) صرف اعطای سود شرکت‌های سازنده پروژه‌های زیرساختی می‌شود. یک نهاد ذیل ستاد اربعین می‌تواند مسئول تجميع بودجه‌های مسئولیت اجتماعی ناظر به اربعین باشد. از سوی دیگر، پلتفرم کرادفاندینگ می‌تواند یک سامانه کاملاً شفاف و با امکانات متعدد باشد و نیاز زوار را فراهم و اعتماد عمومی را جلب کند. اگر مجموع این پیشنهادها عملیاتی شود، اولاً منابع پایداری برای تأمین مالی اربعین فراهم می‌شود، ثانیاً شفافیت منابع اربعین افزایش می‌یابد و ثالثاً از هدررفت منابع جلوگیری می‌شود و منابع به سمت ایجاد زیرساخت‌های ماندگار و بلندمدت هدایت می‌شوند.

۱-۵ محدودیت‌های پژوهش

- برای قضاوت درست و افزایش شفافیت اعتبار نتایج، محدودیت‌های اصلی پژوهش به طور شفاف بیان می‌شوند:
- نمونه خبرگان: هرچند تلاش شد طیف متنوع خبرگان در ۲۵ نفر لحاظ شود، نتایج مبتنی بر کنش و دیدگاه‌های خبرگان است و لزوماً بازتاب دقیق نظرات عموم ذی‌نفعان (زائران، جمعیت گسترده مردمی) نیست.
 - اختصاصی بودن بافت فرهنگی-ملی: یافته‌ها بازتاب‌دهنده زمینه فرهنگی و ساختار نهادی کشور (ایران) است و تعمیم مستقیم آنها به بسترهای فرهنگی متفاوت نیازمند آزمون‌های تکمیلی است.
 - عدم آزمون میدانی: این مطالعه مبتنی بر اجماع خبرگان و تحلیل کیفی-کمی است و فاقد اجرای تجربی یا تحلیل مالی هزینه-فایده واقعی برای هر ابزار است.

- قابلیت اندازه‌گیری اجماع: معیار ۰/۷ برای پذیرش فازی‌زدایی‌شده انتخاب‌شده بر مبنای ادبیات مرجع و تجربه پژوهشی است، اما می‌تواند بسته به معیارهای پژوهشی متفاوت تفسیر شود.

۲-۵ پیشنهادها

- پیشنادهای سیاستی و اجرایی:
- ایجاد و راه‌اندازی «صندوق ملی وقفی-نیکوکاری اربعین» با قواعد شفاف و گزارش‌دهی، به عنوان مرجع تجميع منابع مردمی پایدار. (اولویت: زیاد)
- طراحی و اجرای پلتفرم کرافاندینگ رسمی اربعین با امکان شفافیت تراکنش‌ها، تخصیص هدفمند منابع و انتشار گزارش سالانه. (اولویت: متوسط)
- تدوین چارچوب قانونی و قراردادی برای PPPهای اربعین (الگوی BOT به عنوان الگوی پیشنهادی برای پروژه‌های زیرساختی) و تعریف سازوکارهای پرداخت مبتنی بر دسترسی. (اولویت: زیاد)
- اجرای پروژه‌های پایلوت ترکیبی (برای مثال، یک پروژه خدمات بهداشتی یا اسکان زائران) با منابع وقف + حمایت دولتی + سرمایه بخش خصوصی برای آزمون مدل‌های ترکیبی. (اولویت: متوسط)
- پیشنادهای پژوهشی:
- مطالعات اقتصادسنجی و مدل‌سازی مالی (تحلیل هزینه-فایده و سناریوهای پایداری مالی) برای هر ابزار برگزیده.
- پیمایش‌های میدانی از زائران و اهداکنندگان بالقوه برای سنجش پذیرش ابزارهای مختلف (به ویژه اوراق و کرافاندینگ).
- مطالعات موردی^۱ از اجراهای موفق یا ناموفق صندوق‌های وقفی و PPP در مناسک مشابه در کشورهای دیگر.

منابع فارسی

- امیربیک، م.، برادران، م.م.، حسینی‌واعظ، س.ج.، و انوشه، س.س. (۱۴۰۰). بررسی و تدوین مدل توسعه تأمین مالی جمعی در سازمان‌های دینی (نمونه موردی حرم مطهر رضوی). *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰ (۲)، ۶۰۳-۶۴۲.
<https://www.doi.org/10.30497/ifr.2021.240861.1618>
- بختیاری، ص. (۱۳۸۱). وقف و نقش آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی. *میراث جاویدان*، ۳۹ (۲)، ۱۸-۲.
<https://ensani.ir/fa/article>
- جاودان، م.ص.، منظور، د.، و رجبی، س. (۱۳۹۹). آثار متقابل نذورات در هیئت‌های مذهبی و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. *جستارهای اقتصادی رویکرد اسلامی*، ۱۷، ۱۱۳-۱۴۰.
<https://www.doi.org/10.30471/iee.2020.5964.1845>
- جعفرزاده نجار، م.، هوشمند، م.، لطفعلی پور، م.ر.، و بهنام، م. (۱۳۹۸). مدل مناسب اوراق وقفی تأمین مالی فضاهای عمومی پیرامون حرم رضوی (ع). *اقتصاد اسلامی*، ۱۹، ۲۳۹-۲۶۶.
https://eghtesad.iict.ac.ir/article_35053.html
- خاکسار آستانه، ح.، و رهنما، ع. (۱۳۹۵). بررسی نقش وقف در خدمات‌رسانی به زائران و گردشگران شهر مشهد. گردشگری و اوقات فراغت، ۳ (۴)، ۴۷-۵۳.
https://tlj.usc.ac.ir/article_129811.html

¹ case study



رحمتی، م. (۱۴۰۳). صندوق نیکوکاری چیست و با چه هدفی تأسیس می‌شود؟. پایگاه اینترنتی کاریزما. <https://B2n.ir/g24097>

صمدی میارکلانی، ح.، صمدی میارکلانی، ح.، و مشازمینی، م. (۱۳۹۴). توسعه کارآفرینی گامی در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی شیلات: تبیین و رتبه‌بندی عوامل محیطی (زمینه‌ای) مؤثر با استفاده از رویکرد دلفی فازی و AHP فازی. *مجله علمی شیلات ایران*، ۲۴ (۳)، ۱۲۵-۱۳۸. <http://dx.doi.org/10.22092/ISFJ.2017.110198>

کاظمی نجف آبادی، م. (۱۳۹۶). برون‌رفت از چالش مدیریت در صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف از منظر حاکمیت شرکتی. *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۱۴، ۱۳۱-۱۵۲. <https://doi.org/10.30471/iee.2017.1341>

یزدان‌پناه، س. (۱۳۹۸). تفاوت نهادهای صنفی (تعاونی، انجمن، تشکل، سندیکا و اتحادیه). مؤسسه حقوقی دادسران مهرپاو. ۱۴ دی ۱۳۹۸. <https://pav.legal/posts/4258>

References

- Amirbeik, M., Baradaran, M. M., Hosseini Vaez, S. J., & Anousheh, S. S. (2021). Examining and developing a model for crowdfunding development in religious organizations (Case study: the holy shrine of Imam Reza). *Islamic Finance Research*, 10(2), 603–642. <https://doi.org/10.30497/ifr.2021.240861.1618> [In Persian]
- Atkinson, D. (1996). *Pros and cons of build operate and transfer*. Progressive Media Markets. ISSN: 0041-414X. <https://trid.trb.org/View/463968>
- Bakhtiari, S. (2002). Endowment (Waqf) and its role in economic and social development. *Miras-e Javidan*, 39(2), 2–18. [In Persian]
- Carvalho, J. M. S., & Rodrigues, N. (2022). Perceived quality and users' satisfaction with public-private partnerships in health sector. *International Journal of Environmental Research Public Health*, 19, 8188. <https://doi.org/10.3390/ijerph19138188>
- Dogan, E. T., Birgonul, Z., Bilgin, G., & Akcay, E. C. (2024). Exploring the critical risk factors of public-private partnership city hospital projects in turkey. *Buildings*, 14(2), 498. <https://doi.org/10.3390/buildings14020498>
- Elmahgop, F., Alsulami, F., Mohammed, M. G. A., Abdel-Gadir, S., & Elhassan, T. (2025). The socio-economic impacts of waqf investment funds as a model for sustainable financing in saudi arabia. *Sustainability*, 17(9), 3805. <https://doi.org/10.3390/su17093805>
- Ergun, C. E. (2023). *Turkish healthcare public-private partnership projects*. Ergün Avukatlık Bürosu. <https://pppcoe.com/articles/turkish-healthcare-public-private-partnership-projects/>
- Habibi, A., Jahantigh, F. F., & Sarafrazi, A. (2015). Fuzzy delphi technique for forecasting and screening items. *Asian Journal of Research in Business Economics and Management*, 5(2), 130-143. <https://doi.org/10.5958/2249-7307.2015.00036.5>
- Hayes, A. (2025). *Build-operate-transfer contract: definition, risks, and framework*. Investopedia: <https://B2n.ir/ef6452>.
- Hellowell, M. (2016). The price of certainty: benefits and costs of public-private partnerships for healthcare infrastructure and related services. *Health Services Management Research*, 29, 35–39. <https://doi.org/10.1177/0951484816639742>
- Jafarzadeh Najjar, M., Hooshmand, M., Lotfali Pour, M. R., & Behnam, M. (2019). An appropriate Waqf-based Sukuk model for financing public spaces around the Holy Shrine of Imam Reza (AS). *Islamic Economics*, 19, 239–266. https://eghtesad.iict.ac.ir/article_35053.html [In Persian]
- Javdan, M. S., Manzour, D., & Rajabi, S. (2020). The interactive effects of religious donations in religious associations and macroeconomic variables in Iran. *Economic Essays with an Islamic Approach*, 17, 113–140. <https://doi.org/10.30471/iee.2020.5964.1845> [In Persian]
- Kazemi Najaf Abadi, M. (2017). Overcoming management challenges in Waqf mutual investment funds from the perspective of corporate governance. *Economic Essays with an Islamic Approach*, 14, 131–152. <https://doi.org/10.30471/iee.2017.1341> [In Persian]



- Khaksar Astaneh, H., & Rahnama, A. (2016). Examining the role of endowment (Waqf) in providing services to pilgrims and tourists in the city of Mashhad. *Tourism and Leisure Studies*, 3(4), 47–53. https://tlj.usc.ac.ir/article_129811.html [In Persian]
- Mustapha, Z. (2024). From solidarity to prosperity: Exploring the impact of Islamic Waqf on economic development: Insights from the Kuwaiti experience. *International Journal of Economic Perspectives*, 18(12), 2400–2422. Retrieved from: <https://ijeonline.org/index.php/journal/article/view/784>
- Patel, M., & Ahmed, S. (2019). *The social infrastructure funding gap in the united states*. MetLife Investment Management. www.metlife.com/investmentmanagement
- Petersen, O. H. (2019) Evaluating the costs, quality, and value for money of infrastructure public-private partnerships: A systematic literature review. *Annals of Public and Cooperative Economics*, 90, 227–244. <https://doi.org/10.1111/apce.12243>
- Rahmati, M. (2024). *What is a charity fund and for what purpose is it established?*. Karizma Website. <https://B2n.ir/g24097> [In Persian]
- Rodrigues, N. J. (2023, June 21). *Public-private partnerships model applied to hospitals*. Encyclopedia. <https://encyclopedia.pub/entry/45925>
- Rosenston, M (2024). *PPP in india*. Pppinindia.gov. <https://B2n.ir/ry8895>.
- Samadi Miyarkolayi, H., Samadi Miyarkolayi, H., & Meshazmini, M. (2015). Entrepreneurship development as a step toward achieving economic and social goals in fisheries: Identifying and ranking environmental (contextual) factors using the fuzzy Delphi and fuzzy AHP approaches. *Iranian Scientific Fisheries Journal*, 24(3), 125–138. <http://dx.doi.org/10.22092/ISFJ.2017.110198> [In Persian]
- Sharifah F. S. A., & Mohd Dani M., (2022). Waqf-based infrastructure; lessons learnt from traditional Islamic neighborhood practices. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 5826-5832. <https://doi.org/10.47750/pnr.2022.13.S09.702>
- Sukmana, R, (2020). Critical assessment of Islamic endowment funds (Waqf) literature: lesson for government and future directions, *Heliyon*, 6(10), e05074. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2020.e05074>
- Valeri (2022). *Union vs guild vs cooperative vs collective – what’s the difference?*. blog.artisans.coop. <https://B2n.ir/rf5686>.
- Xiong, W., Chen, B., Wang, H., & Zhu, D. (2018). Governing public-private partnerships: a systematic review of case study literature. *Australian Journal of Public Administration*, 78, 95–112. <https://doi.org/10.1111/1467-8500.12343>
- Xu, R., Hong, H., Deng, L., & Zhang, X. (2025). Crowdfunding success factors: A meta-analytic investigation. *Information Systems Research*. <https://doi.org/10.1287/isre.2022.0640>
- Yang, J., Song, L., Yao, X., Cheng, Q., Cheng, Z., & Xu, K. (2020). Evaluating the intention and behaviour of private sector participation in healthcare service delivery via public-private partnership: evidence from China. *Journal of Healthcare Engineering*. <https://doi.org/10.1155/2020/5834532>
- Yazdanpanah, S. (2020). *Differences among professional associations (cooperatives, associations, organizations, syndicates, and unions)*. Dadsaran MehrPav Legal Institute. <https://pav.legal/posts/4258> [In Persian]
- Zhai, Y., & Shen, W. (2024). Signaling theory in charity-based crowdfunding: Investigating the effects of project creator characteristics and text linguistic style on fundraising performance. *Heliyon*, 10(4), e25756. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e25756>

